

سهام انکارناپذیر دکتر فیرحی در بسط دانش سیاسی مدرن

مدرن‌ها در حق ایشان جفا کردند



داود مهدوی زادگان
عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

متأسفانه چندماهی است که جهان و کشور ما گرفتار ویروس کروناست و ما هر روز شاهد از دست دادن عده‌ای از هموطنان خود هستیم. در میان اینها افراد و شخصیت‌های فرهیخته و نخبه علمی، فرهنگی و هنری نیز هستند که هریک سهم بسزایی در دانش و فرهنگ کشور دارند و فقدان آنها ضربه بزرگ و جبران‌ناپذیری است.

فاضل ارجمند آقای دکتر داود فیرحی نیز در اثر کرونا دار فانی را وداع گفتند. به گمان بنده ما می‌توانستیم از ایشان شاهد آثار علمی ارزشمند بیشتری باشیم اما اکنون با این ضایعه جبران‌ناپذیر مواجه و از خدمات و آثار علمی ایشان برای همیشه محروم شده‌ایم. آقای فیرحی سزاگرم و از شخصیت‌های حوزوی بودند و بنده از آن طریق با ایشان آشنایی داشتم. البته بیشتر این آشنایی از طریق آثار علمی ایشان بود و گاهی هم توفیق می‌شد که مرادوات مستقیمی با ایشان داشته باشم. سال‌ها قبل در یک کار پژوهشی درباره اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، مصاحباتی با اساتید داشتم که از جمله خدمت آقای دکتر فیرحی رسیدم. ایشان در آن گفت‌وگو قبل از اینکه من سوالی مطرح کنم، در مورد روش‌شناسی فهم اندیشه‌سیاسی امام خمینی (ره) سخن گفتند و بحثی را تحت‌عنوان «حجاب معاصر» مطرح کردند و احساس کردم بحث مفیدی است و به همین خاطر بحث با سوالاتی ادامه پیدا کرد و بعداً مطلع شدم همین گفت‌وگو تبدیل به یک متن شده است.

آخرین دیدار بنده با ایشان نیز به یکی، دو ماه قبل از آغاز کرونا در سال گذشته و مناظره‌ای با ایشان در دانشگاه خوارزمی ملی برمی‌گردد. موضوع بحث ماجرایکاه حزب در حکومت اسلامی بود. البته در آن گفت‌وگو هم بنده با ایشان اختلاف نظر داشتم اما در عین حال گفت‌وگویی بسیار مفید و ارزشمند شکل گرفت و تبادل نظر خوبی انجام شد.

یکی از ویژگی‌های مرحوم دکتر فیرحی فروتنی و تواضع ایشان بود. وقار و آرامشی در چهره ایشان دیده می‌شد و به عبارتی یک نوع احساس آرامش در ایشان می‌دیدم. مهم‌تر اینکه ایشان این آرامش را به‌منوعی به مخاطب خود هم منتقل می‌کرد. به‌نظم تمام کسانی که با ایشان مرتبط بودند، معترف این مساله هستند. ویژگی دیگر دکتر فیرحی این بود که ایشان همواره از قرار گرفتن در محافل و محیط‌هایی که می‌توانست تنش‌زا و جنجالی باشد، فاصله می‌گرفت. اگرچه دیدگاه‌های ایشان با آنچه ما عقیده داریم و تلقی‌ای که امثال بنده در پاره‌ای از مسائل دارند، متفاوت است اما ندیده‌ام ایشان در فضاهای جنجالی و تنش‌زا حضوری بیاورد و به‌عنوان کنشگر-سهمی از آن محیط برای خود قائل باشند، بلکه از چنین محیط‌هایی دوری می‌گزیدند.

بنده مرحوم ایشان را شخصیتی حقیقت‌طلب دوست‌دوای و دارای روحیه علمی دریافتم. دوست‌دار و مشتاق علم بود و می‌توان گفت بخش عظیمی از عمر خود را صرف علم‌آموزی و پیشرفت دانش کرده است. این مساله را از آثار علمی ایشان می‌توانیم مشاهده کنیم. سال‌ها قبل که خدانوید به ایشان توفیق کار علمی داد، آثار علمی برجسته‌ای از خود برجای گذاشتند و از معدود افرادی بودند که توانستند نسلی از دانش‌پژوهان تربیت کنند که این نسل را هم در حوزه و هم در دانشگاه می‌توانیم مشاهده کنیم. کمتر فردی موفق می‌شود نسلی از پژوهشگران تربیت کند و ایشان چنین جمع علمی‌ای را در حوزه و دانشگاه تربیت کردند و از آنجا که با دوستان حوزوی مربوط با ایشان تماس و مرادواتی داشتم، میزان انتقال روحیه علمی را به این نسل از حوزویان از نزدیک دیده‌ام. ایشان توانسته بودند نسلی از طلاب را به‌پروژه در اندیشه‌سیاسی اسلام و فقه اسلام تربیت کنند.

ناظر به حوزه تخصصی کار علمی مرحوم فیرحی در اندیشه‌سیاسی، اگرچه می‌توان ایشان را یک تربیت‌یافته‌اندیشه‌سیاسی حساب کرد که عمدتاً بنیان‌های فکری و معرفتی خود را از اساتید دانشگاهی خود گرفته بود اما به‌منظر می‌رسد تاوجه به سابقه معلومات حوزوی و فقهی‌ای که داشتند، به‌خوبی توانسته بودند یک تلاقی و تلفیقی از دانش حوزوی و دانش دانشگاهی پیدا آورند و از این تلاقی به نتایج و دستاوردهای خوبی برسند. فارغ از داوری‌هایی که ممکن است در مورد دستاوردهای علمی ایشان داشته باشیم، نکته اساسی این است که ایشان این توانایی را داشتند که این دو سنخ دانش و معرفت حوزوی و معرفت دانشگاهی را

به هم نزدیک و از تلفیق آن دور در یک دانش نوپا به نام فقه‌سیاسی بهره‌برداری کنند. مرحوم فیرحی از جمله کسانی است که او را می‌توان از پیشگامان پرداختن به دانش فقه‌سیاسی تلقی کرد. البته منظور این نیست که فقه‌سیاسی دانشی است که در گذشته سابقه نداشته و تازه شکل گرفته، بلکه منظور این است که تبیین مسائل فقه‌سیاسی در صورت جدید، به کمک معلومات دانشگاهی و مدرن، امری تازه بود که عمدتاً با انقلاب اسلامی اهمیت و جدیت پیدا کرد و مرحوم فیرحی از این جهت جزء پیشگامان پرداختن به فقه‌سیاسی هستند، لذا می‌توان گفت که ایشان سهم بزرگی در گسترش دانش فقه‌سیاسی دارند و انصافاً نمی‌توان این مساله را نادیده گرفت.

ارزش کار ایشان از این جهت است که سعی وافر داشتند یک سری از موضوعات و پدیده‌های به‌ظاهر مدرن و امری روز را در فضای اندیشه فقهی پیگیری کنند و آنها را مورد مذاقه و تأمل قرار دهند. مثلاً در کتاب اخیرشان که درباره حزب‌منشتر شد، کار مفصلی انجام دادند و سعی‌شان این بود که در نظام معرفتی فقهی، موضوع حزب را تعقیب کنند. اگرچه ممکن است مادر باب دیدگاه‌های ایشان نقد و نظری‌های داشته باشم اما به‌رحال ایشان چنین تأمل فقهی و دینی‌ای پیرامون موضوع حزب داشتند و ارائه دادند.

ایشان در پرداختن به متون کلاسیک بزرگان معاصر حوزوی اهتمام داشتند. یکی از کارهای ایشان شرحی بر کتاب «تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» مرحوم نائینی است. این شرح به‌منوعی احیای آن کتاب است و می‌توان گفت شرحی به اندیشه سیاسی مرحوم نائینی در این حجم و به‌طور مفصل و حاصل آن، نگارش کتاب در آستانه تجدد است.

مرحوم فیرحی با تلفیق سرمایه دانشی را که از حوزه و دانشگاه به‌دست آوردند در بخشی از معارف فقهی به کار گرفتند- که همان دانش سیاسی بود- و از این جهت تردیدی نیست که ایشان در بسط و توسعه فقه سیاسی سهم خاصی داشتند. اثر کار علمی مرحوم فیرحی اختصاص به حوزه‌منداشت، بلکه دستاورد کاری ایشان بیش از آنکه در حوزه مؤثرتر باشد، در دانشگاه و اندیشه‌های جدید تأثیرگذار بود. اگر بخواهیم در یک موقعیت تاریخی به فلسفه سیاسی مدرن توجه کنیم- با توجه به کارها و آثار علمی ایشان- نمی‌توان سهم ایشان را انکار کرد. تأثیر کارهای دکتر فیرحی در بسط علم مدرن- و به‌ویژه دانش سیاسی مدرن- چیزی نیست که بتوان انکار کرد. ایشان دغدغه دانش مدرن را داشتند و یکی از تکاپوهای اصلی ایشان هم در همین راستاست.

اگر بخواهیم به یکی از کارهای ایشان ارجاع دهیم، کتاب «آستانه تجدد» می‌تواند بهترین نمونه از دغدغه فکری مرحوم فیرحی باشد. از خود این عنوان کاملاً پیداست که ایشان این توجه را داشتند که نشان دهند «تنبیه‌الامه» مرحوم نائینی تا چه اندازه می‌تواند در راستای فلسفه سیاسی مدرن، تبیین، شرح و تحلیل شود. به‌منظر می‌رسد ایشان در این کتاب همین مساله را تعقیب می‌کردند و یک نوع فلسفه سیاسی مدرن را از کتاب تنبیه‌الامه استخراج کرده‌اند که کار بزرگی است و اگر بخواهیم در زمینه و کانتکس بسط تجربه



عبدالمجید میلیعی
عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دکتر فیرحی جایگاهی استراتژیک در منظومه علوم انسانی کشور داشت. تفحص‌ها و غورهای درون‌نگر و تیزبینی‌ها و نکته‌سنجی‌های نوآورانه وی در دو عرصه سنت و تجدد حائز دو ویژگی بسیار مهم بود. ویژگی نخست وجه انتقادی و منطق آسیب‌شناسانه نگارش‌های فیرحی بود و ویژگی دوم مراجعه متاملانه به متن و تلاش نظام‌مند برای ایجاد مکالمه‌ای امروزی و از سر نیازه‌های اکنون و اینجا با متن بود. این دو ویژگی به رویکردهای دکتر فیرحی در تلاش برای فهم انتقادی و متن پایه سنت و تجدد به واقع وجهی کم‌نظیر و کارکردی پرسامد بخشیده بود.

سال‌ها پژوهش و تحقیق این گونه، به دکتر فیرحی توش و توانی بخشیده بود که وی را در موقعیتی ویژه برای فهم مساله اصلی امروز و اینجا می‌قرار داد. بود. تشخیص و شناسایی دانش مهم و اثرگذار فقه سیاسی به مثابه مبنای تأمل و بستر تحول حاصل این توش و توان بود و پیامد طی طریق در این مسیر پرافت و خیز برای سال‌های متمادی، وی به یک معنا قادر به فهم امکان‌های پیش‌روی جامعه ایرانی در ارتباط با استعداد‌های نهفته در دیسپلین فقه سیاسی گردیده بود. توضیح ابعاد مختلف این مساله طبعاً از حوصله یک گفت‌وگو مطبوعاتی خارج است؛ تنها عرض می‌کنم که فیرحی دریافتی بود که دانش فقه سیاسی ظرفیت تأمل در گذشته و مراجعه به آینده را اولاً به شیوه‌ای انضمامی و مربوط به نیازهای عینی ما دارد و ثانیاً این دانش می‌تواند به گونه‌ای اثرگذار و مرتبط با منطق جامعه‌پذیری در جامعه ایرانی مؤثر واقع شود. به یک معنا دانشور بود نه دانش فروش. طبعاً این به معنای موافقت با هر آنچه ایشان می‌نگاشت و می‌گفت نیست؛ هرچند بیانگر این است که هر آنچه می‌پرداخت محل تأمل قرار می‌گرفت و موضوع دقت واقع می‌شد.

به این ترتیب باید گفت که دکتر فیرحی از اندیشمندان سیاسی معاصر در ایران بود. به باور بنده وی توانسته بود ظرفیتی تازه را در خود و انتقادی سنت و توضیح نسبت آن با تجدد ایرانی فراهم آورد. البته فیرحی اهل سر و صدا نبود و از هیاهو می‌پرهیخت. حاصل این نحوه از دانشوری آن شده بود که فیرحی یک چهره متن‌آفرین و صاحب‌متن بود. او ماتن و خلاق متون بود. وی به متون بسیاری مراجعه می‌کرد و یک توانایی نسبتاً کمیاب در زمانه حاضر در مراجعه موشکافانه و پیگیرانه به متون داشت. با این حال در پی این مراجعات خود متن ایجاد می‌کرد. به بیان دیگر بیش از آنکه صرفاً ادبیات جاری را در اندیشه سیاسی بسط دهد (که آن هم کاری ارزنده است و در جای خود ستودنی) متون تازه و نورس را به اندیشه و علوم انسانی و سیاسی تقدیم می‌کرد. وی

نگاهی به جایگاه مرحوم دکتر فیرحی در منظومه علوم انسانی کشور

روشن‌اندیشی بوهمی نگر و بوهمی اندیشی روشن‌نگر

نیست که دکتر فیرحی چه می‌گفت یا نمی‌گفت؛ بلکه مساله آن است که چگونه می‌گفت. وی به مرحله تئوری‌پردازی در علوم انسانی ایرانی نائل آمده بود؛ مرحله‌ای که، فراتر از خلاقیت‌های نظری، به استعدادهای روش‌شناختی و امکانی معرفت‌شناختی برای شناسایی دینامیسم‌های مؤثر در نحوه بودن و شیوه گردیدن ما نیاز دارد. ای بسا بتوانیم بگوییم که بروز و ظهور آثار فیرحی به‌مثابه یک پدیدار در حوزه دانشوری، فراتر از سمت‌وسوی محتواهایی که وی آفرید و طبعاً این محتواها می‌تواند محل بحث واقع شد، خود حتی بود بر امکان علوم انسانی در ایران معاصر. موقعیت دکتر فیرحی به لحاظ دانشجوی‌پروری و نیز اخلاقی اجتماعی و خصلت شخصی:

به لحاظ خصایص اخلاقی نیز واقعا نمونه بود. به باور من به بی‌راهه نرفته‌ایم و زیاده نگفته‌ایم اگر فیرحی را اسطوره نجابت همراه با آگاهی و تواضع از سر دانشوری بدانیم.

در آموزش بسیار سخاوتمند و در عین حال بی‌تکلف بود. از برخی خصلت‌های نادرست و شایع دانشگاهی هم تا آنجا که ممکن بود گرفتاری‌های اداری گریبانگیر دانشجویان اجازه می‌داد، کناره می‌گرفت. از جمله اینکه چندان تمایلی نداشت نام خود را در مقالات نگارش یافته در جریان تدوین پایان‌نامه توسط دانشجویان منتشر کند؛ البته در بسیاری از مواقع دانشجویان نیاز به آن داشتند که نام استاد در مقاله‌ها بیاید. البته باید بگوییم

انتشار مقاله مشترک با ایشان، برخلاف بسیاری دیگر، مایه افتخار بود.

بسیار با دانشجویان مهربان بود و به یک معنا سنگ صبورشان می‌شد. من که بیش از ۲ دهه در خدمت ایشان بودم و از این استاد گرانقدر آموختم خاطراتی از این دست فراوان دارم. دکتر فیرحی اتفاقاً در کلاس‌های درس و محافل بحث با شاگردانش عمیق‌تر و ژرف‌اندیشی‌تر از آنچه در عرصه عمومی می‌نمود ظاهر می‌شد. البته به تدریج و طی سال‌های اخیر حضور ایشان در عرصه‌های عمومی نیز تقویت شد و جنبه‌های علمی ایشان فراتر از کلاس و درس و بحث ابتدا در آثار و کتب و سپس در سخنرانی‌های ایشان نمود و بروز و ظهور بیشتری یافت. ولی در آن سال‌ها همیشه با خود می‌گفتم که چرا دکتر فیرحی با این همه توان در کلاس‌های در عرصه عمومی چندان که شایسته است توانایی علمی خود را نشان نمی‌دهد. خوش‌بختانه این وضعیت طی دهه اخیر تغییر کرد. افسوس که دست روزگار ایشان را در اوج توانمندی علمی از جامعه ستاند. متأسفانه مورد بی‌مهری‌هایی هم قرار گرفت؛ با این حال مرحوم فیرحی همیشه در قبال چنین بدخلتی‌هایی سر در گریب داشت و به‌جز خیرخواهی زبان به حرفی نمی‌گشود. البته از آنجا که بنده در این کتاب می‌توانم به استقبالی از نامهربانی‌ها جامع‌گسترده‌ای از دوستان دانشجویان و طلبه و اساتید حوزه و دانشگاه به فیرحی به‌جد علاقه‌مند بودم و کارها و تلاش‌های ارزشمندش را دنبال می‌کردم. دانشجویان و طلبه‌های دوستدار مرحوم فیرحی- چه از طریق حضور در کلاس‌های درس و چه از راه مطالعه متون ارزشمندش- پروژه فکری وی را دنبال می‌کردند. اتفاقاً زبان مهربان و بیان نکته‌سنج فیرحی همیشه به استقبالی از افراد می‌آمد. مشخصاً دانشجویان ایشان همیشه این فرصت را داشتند تا در اتاق معروف ۳۶۶ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران وی را ببینند و با او هم‌سخن شوند.

نیبود فیرحی بسیار دشوار است به‌ویژه آنکه در این دو سه سال اخیر او به مرحله تازه‌تری در تولید محتوای مؤثر و عرضه آن نائل شده بود. فایلهای صوتی سخنرانی‌های ارزشمند ایشان همچون نان داغ بر سر کوی و برزخ اهالی اندیشه میان علاقه‌مندان به مباحث فکری دست‌به‌دست می‌شد. به یک معنا قابلیت‌های فکری فیرحی لبریز شده بود و محیط عمومی علوم انسانی و علوم اسلامی را تحت تأثیر قرار داده بود. بنده گمان می‌کنم که در آینده بیشتر از ایشان خواهیم شنید و میراث فکری دکتر فیرحی بیش از گذشته دیده و فهمیده خواهد شد. نام ایشان در آینده بارها به میان خواهد آمد و سنت فکری ایشان که من آن را می‌توانم روشن‌اندیشی بوهمی نگر و بوهمی اندیشی روشن‌نگر بنامم، بسیی خواننده‌های تازه خواهد یافت. به همگان درگذشت جانسوز استاد عزیزم، چهره مهربان و نجیب علوم سیاسی کشور، آن یار نازنین از دست‌رفته و اندیشمند توانمند عصر حاضر، مرحوم داود فیرحی را تسلیت می‌گویم.

دست کم چند متن پایه‌ای انگاشت و عرضه کرد. جالب آنکه جان‌مایه‌دارترین انتقادهای از برخی متون اولیه دکتر فیرحی را خود ایشان در برخی مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای متاخرش عرضه داشت. به باور بنده هیچ کس بهتر از فیرحی متاخر از پس نقد فیرحی مقدم برنیامد. به هر روی این توانایی قابل توجه ایشان در ایجاد محتوای مؤثر و کیفی، قابل توجه و در مواقعی غافل‌گیرکننده بود.

به این ترتیب می‌توان فیرحی را نماد علوم انسانی مسئول و ثمربخش در کشور دانست. بگذارید کمی بیشتر توضیح دهم. علوم انسانی اگر بخواهد پا بگیرد و گره از مشکلات‌های بگشاید نمی‌تواند به سنت بی‌اعتنا بماند؛ هم‌چنان که نمی‌تواند فارغ از تحصیل درکی عمیق از جهان جدید جریان یابد. در واقع علوم انسانی هم به فهم انتقادی و متن پایه عرصه تجدد نیاز دارد و هم به فهم انتقادی و متن پایه سنت و درون‌مایه‌های نهفته در آن. طلوع علوم انسانی در جایی فراتر از این صورت‌بندی‌های ظاهری همچون مکتب و معمعم بودن، روحانی و دانشگاهی بودن، تحصیلات داخل و خارج داشتن و از تهران یا قم برخاستن تحقق می‌یابد. طلوع علوم انسانی در ملاقات‌های پاره‌درونی و ژرف سنت و تجدد محقق می‌شود. کسانی که در فهم انتقادی و ژرف‌اندیشانه سنت ناتوان هستند و به ابزارهای روش‌شناختی و تیزبینی مطالعاتی لازم برای این حوزه مجهز نیستند، کاری از پیش نمی‌برند؛ آنان که از عصر جدید سر در نمی‌آورند نیز راه به این وادی نمی‌توانند بگشایند. اصلاً مساله این نیست که از کجا آمده‌ایم؛ مساله بسیی جدی‌تر است: مساله آن است که آیا توان، دلیری و عزم لازم را برای غور در سنت و تجدد در خود جمع کرده‌ایم یا نه؟ قرار گرفتن در چنین موقعیتی، مقرر آن است که آیا ما به وادی علوم انسانی ورود کرده‌ایم یا در کناره‌های آن روزگار می‌گذرانیم. فیرحی از افرادی بود که به سفر کردنی پرمخاطره در این وادی خطر کرده بود و ره‌توشه‌ای از ایده‌پردازی را برای علوم انسانی و ایران امروز در این مسیر فراهم آورده بود. به زبان دیگر می‌توانیم بگوییم که فیرحی از کسانی بود که به واقع شأنیت نگارش انتقادی و متماملانه در سنت و تجدد را در خود جمع آورده بود. این یک قابلیت بسیار مهم و کمیاب است. وجه ایده‌آل و تاریخ‌ساز قابلیت‌های او این است که می‌تواند در میرزای نائینی، هنگام فرموله کردن نگارش فقهی در باب مشروطیت، و در علامه طباطبایی، در شناسایی منطق فلسفه اسلامی ملاقات با دستاوردهای عصری طی صورت‌بندی نظریه اعتباریات، یافت. طبعاً جایگاه علامه و میرزای نائینی یگانه و مثال‌زدنی است. منظوم نشان دادن سنخیت و جنسیت اندیشه‌ورزی دکتر فیرحی است. دکتر فیرحی در آنچه انجام می‌داد شاخص بود و در حوزه مطالعاتی خود سرمنشأ جریان‌های تازه‌ای از تأمل و گفت‌وگوی مؤثر علمی می‌گردید. با لحاظ این نکته بگذارید بگوییم حتی مساله این